

(مانده از شماره قبل)

فارسی کرمان

۲۵-۷ ساخت کنش از نام

کنشهایی را که از نام می گیرند در فارسی جعلی گوئیم .

بجای این کنشها در کرمانی بیشتر کنشهای همبست را بکار می برند :

/jan(g) kerdan/ «جنگ کردن» (بجای جنگیدن) و گاهی هر دو ساخت را

بکار می گیرند :

/fām kerdan/ «فهم کردن» ، /fāmidan/ «فهمیدن» ولی در پارهی ازاین

کنشها میان ساخت ساده وهمبندشان در مایه یاسرشت کما پیش تفاوتی است :

/tələbidan/ «طلبیدن» ، /tələb kerdan/ «طلب کمک مادی کردن» ،

/dēzidan/ «دزدیدن» (کشش ترا یا) ، /dēzi kerdan/ «دزدی کردن» (کشش ناترا یا).

در پارهی ازاین کنشها همان ساخت فارسی رواج دارد :

/pusidan/ «پوسیدن» .

گروهی دیگر ویژه فارسی کرمانند : /qolfundan/ «کلون یا قفل را باحرکت

پی درپی کلید تکان دادن» ، /vāsələngidan/ «حاشا کردن» .

کنشهای ساخته از نام آواها و ویژگی نام خود را در بر دارند :

/gorombundan/ «نواختن طبل یا چیزی که صدای طبل دهد» ، /tombidan/

«خراب شدن بنا» ، /perqidan/ «ترکیدن بواسطه فشار» /lēcidan/ (سوراخ را)

پر کردن» ، /šolpidan/ «بیرون ریختن مایع از ظرف (ناترا یا)» .

(برای گردانش این کنشها به ۷-۱ و ۷-۳ ر. ک.)

۲۶-۷ ساخت کنش تراسته

کنشهای تراسته از کنشهای ناترایا یا ترایا ساخته می‌شوند.

/däv-un-d/ «دواند» از /dev-id/ «دوید» و /mi xor-un-e/ «می خوراند»

از /mi xor-e/ «می خورد».

(به ۷-۳ ر. ک.)

از برخی کنشها تنها ساخت تراسته‌شان بکار می‌رود:

/qebulund/ «قبولاند» که تراپای آن کنش همبست /qebul kerd/ می‌شود

و /celund/ «آب گرفت» که ساخت ناترایا ندارد.

از کنش /tëkundan/ «تکاندن» در کرمانی ساخت ناترایای /tëkidan/

«لاغر شدن، پر و بال ریختن» آمده است.

تراسته ساختن کنش با افزایش /ani/ ویژه زبان فارسی است.

راه دیگری که برای تراسته ساختن کنش هست بکار بردن کنشهای همبست یا

کنشهای دوتائی است:

از /xord/ «خورد» /xor-un-d/ «خوراند» یا /vë xord-eš dâd/ «بخوردش

داد» یا /vâdâreš kerd bo-xor-e/ «وادارش کرد بخورد». و یا با کنش /dâdan/

بصورت کنش دوتائی: /dâd be pezan/ «داد بپزند» ساخته می‌شود.

(به ۸-۱ دسته سوم ر. ک.)

۲۶-۷ ساخت کنش بایشوند و قید

با /dar/ «در کردن-بیرون کردن» /dar kerdan/ «در کردن-بیرون رفتن»

در رفتن»، /dër umedan/ «در آمدن - بیرون آمدن» /dër ovordan/ «در آوردن-

بیرون آوردن» ...

با /foru/ «فرو بردن (از گلو)» /foru dâdan/ «فرو بردن»،

/foru kerdan/ «فرو کردن»، /foru raftan/ «فرو رفتن»، /foru gereftan/ «فرو گرفتن» ...

با /pas/ : /pas dâdan/ «پس دادن» /pas raftan/ «عقب رفتن»
/pas xundan/ «پس خواندن» ...

با /piš/ : /piš bordan/ «پیش بردن»، /piš raftan/ «پیش رفتن»،
/piš umedan/ «پیش آمدن»، /piš gereftan/ «پیش گرفتن» ...

با /var/ : /var gaštan/ «برگشتن»، /var xâstan/ «برخاستن»،
/var dâštan/ «برداشتن»، /var oftâdan/ «برافتادن»، /var umedan/ «ور آمدن»،
/var raftan/ «ور رفتن»، /var dërezgidan/ «یکه خوردن»،
/var tërozmidan/ «پرخاش کردن» ...

با /vâ/ : /vâ kerdan/*/ «باز کردن، آب کردن، ذوب کردن»،
/vâ gerftan/ «باز گرفتن»، /vâ mundan/ «بازماندن»، /vâ didan/ «بازدیدن»،
/vâ xordan/ «واخوردن»، /vâ raftan/ «آب شدن»، /vâ bâlidan/*/ «واچرتیدن» ...
با /vâz/ : /vâz šodan/ «بازشدن- آب شدن- ذوب شدن»، /vâz kerdan/
«باز کردن- آب کردن- ذوب کردن»
با /bar/ : /bar xordan/ «بر خوردن» .

باهمبست /vë/ :

/vë pas bordan/ «پس بردن»، /vë pas dâdan/ «پس دادن»،
/vë pas zëdan/ «پس زدن»، /vë tu raftan/ «تورفتن»، /vë piš bordan/
«پیش بردن» ...

باهمبست /bâz/ : /bâz did kerdan/ «بازدید کردن»، /bâz xâs kerdan/
«بازخواست کردن» ...

(به ۷-۶ ر. ک.)

۲۸-۷ ساخت کنش همبست

در کنش همبست در کرمانی نیز مانند فارسی پاره آخرین همبست که کنشی ساده است گردانده می شود (به ۷-۵ ر. ک.)

پاره های دیگری که در ساختمان کنشهای همبست با کنش ساده همراهند مانند زبان فارسی یا پیشوند و قیدند (به ۷-۲۸ ر. ک.) و یا از دیگر بخشهای سخن چون نام و صفت و شماره و کنایه و غیر آن مانند:

/zang zedan/ «زنگ زدن»، /yam xordan/ «غم خوردن»، /bikâr mun dan/

«بیکار ماندن»، /yek-o câr raftan/ «مشاخره کردن»، /in-ê un-e didan/ «این و آنرا دیدن» (به ۷-۲۴ ر. ک.)

۲۹-۷ ساخت کنش برداری (مجهول)

کنشهای برداری همبستهای کنش /šodan/ «شدن» هستند (به ۷-۴ ر. ک.) در کرمانی با /gaštan/ «گشتن» و /gardidan/ «گردیدن» کنش برداری ساخته نمی شود و این دو کنش از کنشهای ویژه به شمارند (به ۷-۲۲ ر. ک.)

۳۰-۷ ریشه امری در ماضی

در کنش ماضی گاهی ریشه امری را بکار می برند.

/tâzid/ «تازید» بجای tâx(t) «تاخت»

/pëzid/ «پزید» بجای pox(t) «پخت»

/tâbid/ «تابید» بجای tâf(t) «تافت»

/bâfid/ «بافید» بجای bâf(t) «بافت»

و در معنی آنها تفاوتی نیست مگر اینکه کار برد کنشهای نخستین (غیر از /tâbid/) کمتر از کنشهای دوم است و اینگونه گردانش ویژه لهجه کودکانه یا غیر شهری است ولی کاربرد /tâbid/ از /tâft/ بیشتر است.

کنش /vā tāsīd/ (واتازید) «خسته و درمانده شد» در کرمانی بکار می‌رود و

ریشه ماضی آن کاربرد ندارد.

گفتار هشتم سر شمت کنشها

۱-۸ گروهی از کنشها همیشه همراه با کنشی دیگر گردانده می‌شوند که آنها را در دستور التزامی یا اقتداری گفته‌اند و جز اینها نیز کنشهایی که آنها را مقارنه و معاونه نامیده‌اند پیرو همین قانونند ما اینگونه کنشها را به‌ر زمان و شیوه‌بی که وابسته باشند دوتایی می‌شماریم. کنشهای دوتایی سه‌دسته می‌شوند:

دسته یکم- کنش نخستین ناگردان است /Sayad bege/ «شاید بگوید». اگرچه این کنش در فارسی کنونی نیمه گردانست یعنی از این کنش «می‌شاید» و «شایسته است» و ریختهای دیگر در فارسی هست و در فارسی درسی از کنشهای گردان بشمار است ولی در کرمانی تنها ریخت / Šâyad / بکار می‌رود و گاهی بجای آن همبست^۱ /balkam/ «بلکه» می‌آید /balkam bege/ «بلکه بگوید». کنش دوم این دسته بشیوه التزامی و خبری می‌آید:

| | | |
|--------------------------|--------------|------------------------|
| » «شاید ببارد» | Šâyad bebâre | با اکنون التزامی |
| » «شاید باریده باشد» | bârîde bâše | با گذشته التزامی |
| » «شاید می‌بارد» | mi bâre | با اکنون خبری |
| » «شاید بارید» | bârid | با گذشته ساده |
| » «شاید باریده است» | bârîde | با گذشته نقلی |
| » «شاید باریده بود» | bârîde bud | با گذشته دور |
| » «شاید باریده بوده‌است» | bârîde-bude | با گذشته دور نقلی |
| » «شاید می‌بارید» | mi bârid | با گذشته استمراری |
| » «شاید می‌باریده است» | mi bârid | با گذشته استمراری نقلی |

۱- گر دسته گل نیاید از ما هم‌همه دیک را بشاییم.

۲- گزارش دیگر این همبست /bal kon/ است.

(همبست /kâški/ «کاش که» نیز بیشتر با گذشته استمراری می آید /kâški/ «کاشکی می بارید» و معنی «ای کاش ببارد» را دارد که از دیدگاه زمان وابسته به اکنون و آینده است).

دسته دوم - کنش پیشین یا نخستین نیمه گردان است : /mi bāye beri/ «می باید بروی» (به ۷-۱۵ ر. ك.) یا از کنشهای گردانی است که تنها سوم شخص تنهای آنها در ساخت کنشهای دوتائی بکار می آید : /nāzik-e be bāre/ «نزدیک است ببارد» /nāzik bud byoftam/ «نزدیک بود بیفتم»، /miše rafte bāše/ «می شود رفته باشد»، /momken nis bere/ «ممکن نیست برود» کنش دوم این دسته همیشه اکنون التزامی یا گذشته التزامی است.

/xodâ kone/ «خدا کند» نیز از کنشهای پیشین این دسته است و چون با ساخت گذشته استمراری بکار رود کنش دوم آن نیز بزبان گذشته استمراری می آید /xodâ mi kerd miraf/ «خدا میکرد میرفت» در معنی «خدا کند برود»، زمان آن اکنون یا آینده است نه گذشته.

دسته سوم - کنش نخستین آنها گردان است : /mi xām begam/ «می خواهم بگویم»^۱ خواستن و توانستن در فارسی گاهی بامصدر همراهند: «می خواست گفتن» یا «می خواست گفت»؛ «توانست دیدن» یا «توانست دید» ولی این کار برد در فارسی کرمانی کم است و کنش دوم نیز همیشه گردانده می شود /tuneste dar bere/ «توانسته است در برود» اگر کنش نخستین یا پیشین مانند /gozâstan/ «گذاشتن» /vâ dâstan/ «واداشتن» /vâdâr kerdan/ «وادار کردن» /majbur kerdan/ «مجبور کردن» /dâdan/ «دادن» دارای مفعول باشد. کنش دوم بشیوه التزامی و گاهی بشیوه خبری می آید. جدول این دسته از کنشهای دوتایی بدینگونه است :

۱ - خواستن برای ساختن زمان آینده در کرمانی بکار نمیرود برخی این کنش را با کنش «توانستن» در فارسی از افعال معین دانسته اند.

کنش _____ ش دوم کنش نخستین (۱)

| زمانها | اکنون خبری | اکنون التزامی | گذشته ساده | گذشته نقلی | گذشته استمراری | گذشته استمراری نقلی | گذشته التزامی |
|---------------------------|------------|---------------|------------|------------|----------------|---------------------|---------------|
| اکنون خبری | + | + | | | | | + |
| « التزامی امری » | | + | | | | | + |
| گذشته ساده | | + | + | | | | + |
| « نقلی دور » | | + | | + | | | |
| « دور نقلی استمراری » | | + | | | + | | |
| « استمراری نقلی التزامی » | | + | | | | + | |

برای نمونه نشانه‌های خط بالا را در اینجا باز گومیکنیم یکی از کنشهای یاد شده مثلا /dādan/ را کنش نخستین می‌گزینیم اکنون خبری این کنش با اکنون خبری و اکنون التزامی کنش دوم همراه است کنش دوم را /bordān/ می‌گیریم:

/mi dam mibēre/ «می‌دهم می‌برد» با اکنون خبری

/mi dam bēbēre/ «می‌دهم ببرد» با اکنون التزامی

دیگر نشانه‌ها نیز به خطهای کرانی و ستونی وابسته‌اند مثلا از خط ستونی

۱- از کنش نخستین در بخشهای پیش بنام کنش پیشگرد یاد کرده‌ام (به ۷۶-۱۲۰ ر.ک.).

گذشته استمراری و از خط کرانی نیز ستون استمراری را می‌گزینیم در بر خورد گاه این دو خط نشانه + گذاشته شده است پس گذشته استمراری کنش نخست با گذشته استمراری کنش دوم می‌تواند همراه باشد :

/mi dādi mi bord/ «می‌دادی می‌برد» و هر جایی که نشانه (+) نباشد کنش دوتائی ساخته نمی‌شود.

چنانچه کنشهای نخست مانند /raftan/ «رفتن»، /umedan/ «آمدن» /tunestan/ دارای مفعول نباشد کنش دوم همیشه بشیوه التزامی می‌آید.

/mituni beri/ «می‌توانی بروی» /raf akse bezene/ «رفت عطسه بزند» (خواست عطسه بزند) /umedan va xizam/ «آمدم برخیزم» (خواستم برخیزم).

در این کنشها گردانش /raftan/ و /umedan/ و /tunestan/ با کنش دوم در شخص یکسان است : /mi tunes bede/ «می‌توانست بدهد».

در کنش /xāstan/ یکسان بودن یا نبودن شخصها ممکن است /mi xāsti beram/ «می‌خواستی بروم»، /mixāsti beri/ «می‌خواستی بروی».

کنش /dāstan/ در دسته کنشهای دوتائی گردانشی ویژه‌وارد که جدول آن چنین است :

کنش دوم

| dāstan | اکنون خبری | گذشته استمراری | استمراری نقلی | اکنون التزامی |
|------------|------------|----------------|---------------|---------------|
| اکنون خبری | + | | | |
| گذشته ساده | | + | | |
| « نقلی | | | + | |
| « التزامی | | | | + |

/dâram miram/ «دارم می‌روم» .

/dâšti mirafti/ «داشتم می‌رفتی» .

/dâšte mirafte/ «داشته است می‌رفته است» .

/dâšte bâše bere/ «داشته باشد برود» .

در این کنش‌های دوتایی شخص کنش نخست با کنش دوم یکی است.

دسته‌ای از کنشهای دوتایی که نخستین کنش آنها همبست است در کرمانی مانند فارسی بکار می‌روند و در گردانش یا کاربرد آنها ویژگی و تفاوت چندانی نیست بیشتر این کنشها سرشت ومعنی و کاربردشان با کنشهای ساده‌ای که در این گفتار باز نمودیم یکسان یا نزدیک است .

مانند :

/xâhes kerdan/ «خواهش کردن» .

/eltemâs kerdan/ «التماس کردن» .

/xyâl kerdan/ «خیال کردن» .

/gemun kerdan/ «گمان کردن» .

و جز اینها که باز گفتنشان در اینجا سودی نخواهد داشت .

۲-۸ ریخت نابایای کنش دوتایی

برای نابایا ساختن کنش‌های دوتایی دسته اول ناگزیر باید پاره دوم یعنی کنش گردان را نابایا کرد /šayad nede/ «شاید ندهد»، /kâški nemiraf/ «کاش نمیرفت» .

در دسته دوم و سوم می‌توان هریک از دو پاره را نابایا ساخت و این بسته بخواست گوینده است زیرا معنی^۱ / ne mi tune bere / « نمی‌تواند برود » با

^۱ / mi tune nere / «می تواند نرود» برابر نیست در ساخت نخستین نابایایی در «توانستن» و در ساخت دوم در «رفتن» است.

در کنشهای دوتایی که با / raftan / و / umedan / ساخته می شوند کنش نخست را باید نابایا کرد:

/ neraf akse bezene / «نرفت عطسه بزند» زیرا اگر کنش دوم را نابایا سازیم از آن هیچگونه معنی بدست نمی آید.

کنشهای دوتایی گروه / dâštan / ساخت نابایاندارند و بجای آن تنها کنش دوم را نابایامی کنند و کنش / dâštan / را می اندازند: - / dâri mir / «داری می روی؟». / na ne miram - / «نه نمی روم» و نمی توان گفت / ne dâram miram / یا / dâram ne miram / زیرا این دو ساخت نه در فارسی کنونی بکار می روند و نه در کرمانی. (به ۷۴-۱۹ ر. ک.)

اگر کنش پیشگردد / benû kerdan / باشد کنش دیگر بصورت مصدر می آید و تنها کنش نخستین نابایامی شود: / benâ kerd vè raftan / «بنا کرد برفتن» / benû ne kerd vè vaftan / «بنا نکرد برفتن».

۳-۸ کاربرد کنشهای دوتایی

در اینجا از یادآوری کنشهای دوتایی که کاربردشان در فارسی شناخته شده است درمی گذریم ولی از دسته سوم ویژگی برخی کنشها نموده می شود.

/ raftan / و / umedan / در کنشهای دوتایی آهنگ و قصد کار را می رسانند

... / umad selâm kone / «تاخواست سلام کند...» / raftam këveškëme begiram /

«خواستم ناختم را بچینم...»

/ dâštan / ادامه کاری را می رساند که شروع شده و پایان پذیرفته است:

/ dâš migof / «داشت می گفت»، / dâre mi bâre / «داردمی بارد»^۲.

/ dâšte bâše bere / «وقتی که در حال رفتن باشد»^۳.

۱- در رفتن یا نرفتن آزاد است. ۲- ریزش باران ادامه دارد. ۳- داشته باشد برود.

یادداشت

کنش شرطی را نمی‌توان از گروه کنشهای دوتایی پنداشت زیرا شرطی خود از دو عبارت جدا گانه ساخته می‌شود که یکی را شرط و دیگری را جواب آن گویند اگرچه ریخت کنش التزامی و شرطی در اکنون و گذشته یکسان است ولی سرشت و کاربرد آنها یکسان نیست. (به ۸-۸ ر. ک.)

۸-۴ کاربرد گذشته امری

درباره گذشته امری در شماره ۷-۱۶ سخن کوتاه کردیم و کاربرد آن را باز نمودیم تا در اینجا بآن بپردازیم.

گذشته امری بازداشت یا فرمانی است که سررسید آن آینده معلومی است:

/tâ zôr angurâ re cinde bâš/ « تاظهر انگورها را چیده باش ».

یا آینده‌ای است که زمان آن پیش از کنش دیگری است:

/tâ ruz nezede xâbide bâš/ « تا آفتاب سر نزده است خوابیده باش ».

یا بازداشت و فرمانی است که زمان آن گذشته است:

/dër-e otâq-e mën-e vâ kerde bâš bebin jël-ë pust-et-e mindâzam vëlard yâ na/?

« در اطاق مرا باز کرده باش ببین جل و پوستت را می‌اندازم بیرون یا نه؟ »

که اکنون امری آن چنین است:

/dëre otâq-e mën-e vâ be kon bebin.. /

« تو در اطاق مرا باز بکن ببین... »

۸-۵ کاربرد /budan/ «بودن» و «شدن» šodan

/budan/ سه گونه کاربرد دارد: نخست در گروه کنشهای ساده:

/hey'r a(z) xodâ heški nebud/ «غیر از خدا هیچکس نبود».

دوم در گروه کنشهای همبست: /fâtelu hasud nebud/ «فاتی حسود نبود».

سوم کنش کمکی: /gouš zâyide bud/ «گاوِش زاییده بود» .

/šodan/ / بمعنی رفتن در کرمانی نیست و امروزه تنها در گروه کنشهای

همبست است :

/xeyli xošâl šod/ «خیلی خوشحال شد» .

یادداشت

بیشتر دستورنویسان فاسی «شدن» را مانند «بودن» کمکی دانسته اند در صورتیکه میان این دو کنش تفاوت بسیار است و بودن در گردانش همه کنشهای گردان کمک می کند ولی «شدن» تنها در یک گروه از کنشها آنها بصورت همبست «مر کب» درمی آید و در گردانش نیز نیازمند کمک «بودن» است (به ۷-۱۷ و ۷-۲۱ و ۷-۲۲ ر. ک.)

۶-۸ هم‌ریشه‌های کنش

الف - واژه‌هایی که باریشه گذشته ساخته می‌شوند .

۱- ریشه گذشته که بصورت نام بکار می‌رود و آنرا مصدر مرخم گفته‌اند :

/nešest-ë var xâs(t)/ «نشست و برخاست» . /bâz xâs(t)/ «بازخواست» .

۲- مصدر :

/jun kanden-e xër-o xorden-e yâbu/ «جان کندن خر و خوردن یا بو» .

۳- فرزام (صفت لیاقی) :

/didëni/ «دیدنی» ، /xordëni/ «خوردنی» ، /bâvar kerdëni/

«باور کردنی» .

۴- صفت مفعولی :

/nekeside haftâd-e pay man/ «نکشیده هفتاد و پنج من» ،

/nedide ye ârezu dide hezâr ârezu/ «ندیده یک آرزو دیده هزار آرزو» .

۵- با پسوند /âr/ مانند /kerdâr/ «کردار»، /xeridâr/ «خریدار»،
/râbordâr/ «راهبردار» /gereftâr/ «گرفتار» .

۶- با پسوند /gâr/ مانند /parvardegâr/ «پروردگار» و /mundegâr/
«ماندگار»^۲ .

۷- با پیشوندها مانند /ham xord/ «همخوراك، درخور»، /vâ zad/ «باز
زده، بازمانده»، /var xord/ «برخورد» .

ب- واژه‌هایی که باریشۀ امری ساخته می‌شوند .

۱- نام امری مانند /nâz/ «ناز»، /tâb/ «تاب»، /gir/ «گیر» .

۲- با /un/ مانند /nâlun/ ، /beryun/ «بریان»، /geryun/ «گریان»،
/xandun/ «خندان»، /nemâyun/ «نمایان» .

۳- با /ande/ «مانند» /bêrande/ «برنده»، /girande/ «گیرنده»،
/jêmande/ «جنبنده» .

۴- با /â/ مانند : /dunâ/ «دانا»، /binâ/ «بینا» .

۵- با /âr/ مانند : /perastâr/ «پرستار» .

۶- با /gar/ مانند : /barzegar/ «برزگر»، /dêrougar/ «دروگر» .

۷- با /gâr/ مانند : /sâzegâr/ «سازگار» .

۸- با /eš(t)/ مانند : /gardeš/ «گردش»، /zênešt/ «زنش»،
/kêšeš(t)/ «کشش» .

۹- با /e/ مانند : /nâle/ «نال»، /mâle/ «مال»، /xore/ «خوره»،
/eškene/ «اشکنه» .

۱۰- با /âk/ مانند : /pušâk/ «پوشاك»، /xorâk/ «خوراك» .

- ۱۱- از کنشهای همبست مانند: /bas-zan/ / «بست زن»، /gir-mâl/ «گیرمال»، /sar-zan/ «مشرف»، /kâr-câz-kon/ «کار چاقکن»، /das-cin/ «دستچین»، /daspaz/ «دستپز».
- ۱۲- بایشاویز /be/ یا /bo/ مانند: /bejor/ «پرجنبو جوش»، /bezan/ «زنده»، /bexar/ «خرنده»، /boxor/ «خورنده».
- ۱۳- بایشوندها مانند: /ham-gu/ «همصدا، همصحبیت»، /vâ-gu/ «نقل قول» /vâ-dâr/ «وادار».

یادداشت:

از هم‌ریشه‌های کنش در گفتارهای نام‌وصفت دوباره یاد خواهیم کرد.

۷-۸ نشاخت‌کنش

- جای کنش در پیوندسختن و جمله پایدار نمی‌ماند و فرا خور ارزشی که گوینده برای هر یک از پاره‌های سخن می‌اندیشد آنرا جابجا می‌کند:
- /raftam vè sër-e kâr/ «رفتم به سر کار»؛
- /mošt-i zad vè tu dān-eš/ «مشتی زد توی دهانش»؛
- /âdam sër-eš benâ mi kone vè gaštan/ «آدم سرش بنا می‌کند چرخیدن»؛
- /bozu-re âxer-eš vè si tēman nedâd/ «بزرگ را آخرش به سی تومان نداد».

هر جا که پیشینه یا نشانه‌ای برای انداختن کنش در کار باشد آنرا می‌توان انداخت:

- /in esfenâjâ šâlîde-re az kojê xeridi/?- /az dër-e qedamgâ/ این اسفناجهای پوسیده را از کجا خریدی؟- از در قدمگاه. در این صورت گاهی یک واژه بتمنهایی جانشین جمله می‌شود.

در کنشهای همبست گاهی کنش ساده جانشین کنش همبست می شود :

/as sēr-e xod-eš vâ-t mi kone/- /ne mi kone/

«از سر خودش بازت می کند... نمی کند» .

در کنشهای دوتایی گاهی یکی از دو کنش جانشین هردو می شود :

/ne mi tuni hamešun-e beber-i/- /mi tunam/ یا /miberam/

«نمی توانی همه شانرا ببری- می توانم» یا «می برم» و اگر کنش دوم یا پسگرد

جانشین هردو شود ریخت کنش عوض می شود چنانکه در نمونه بالا بجای «ببرم»

« می برم » آمده است .

۸-۸ شیوه شرطی

کاربرد زمانها در شیوه شرطی دامنه دارتر از التزامی است بدین معنی که گذشته

از زمانهای شیوه التزامی، زمانهای شیوه خبری نیز در شرطی بکار می روند. کنشهایی

که در جمله شرطی بکار می روند بهم بستگی دارند .

این بهم بستگی را تا جایی که به فارسی کرمان وابسته است در اینجا بررسی

می کنیم اگرچه در زبان فارسی نیز باین بررسی نیازمندیم زیرا در دستورهای زبان

بکوتاهی در این زمینه سخن رفته است. سنجش کنش جمله شرطی با کنش پاسخ شرط

در کرمانی چنین است :

کنش شرطی کنش پاسخ شرط

با اکنون خبری امر- اکنون التزامی- اکنون خبری

» اکنون التزامی اکنون خبری

» گذشته ساده اکنون خبری- امر

» گذشته التزامی اکنون خبری- گذشته نقلی- امر

» گذشته نقلی اکنون خبری- گذشته نقلی- امر

» گذشته دور گذشته دور- گذشته استمراری- اکنون خبری- امر

کنش پاسخ شرط

کنش شرطی

| | | |
|---------------------------------|----|---------------------|
| گذشته نقلی | با | گذشته دور نقلی |
| گذشته استمراری- گذشته دور | » | گذشته استمراری |
| گذشته نقلی- گذشته استمراری نقلی | » | گذشته استمراری نقلی |

در اینجا نمونه گذشته استمراری نقلی را با پاسخ آن می‌سنجیم تا مطلب بهتر روشن شود. پاسخ گذشته استمراری نقلی چنانکه در جدول بالا آمده است می‌تواند گذشته نقلی یا گذشته استمراری نقلی باشد:

با گذشته نقلی /agar mi rafte jazmaⁿ dide/
 «اگر می‌رفته است حتماً (جزماً) دیده است» ،
 با گذشته استمراری نقلی /agar vâ mistâde kotak mi xorde/
 «اگر می‌ایستاده است کتک می‌خوده است» ،

یادداشت

۱- با بودن نشانه گاهی جمله شرطی یا پاسخ آن می‌افتد :

/agar nou mad(۱) ce kâr mi koni/?- /miram/

اگر نیامد چکار می‌کنی؟- می‌روم .

/agar(۲) nexâs bede vë maš/- /agar nexâs cašm/

«اگر نخواست بده بمنش - اگر نخواست چشم»

۲- ممکن است در جمله شرطی یا پاسخ آن کنش دوتایی بکار رود :

/agar mi tuni beri cêre mibâye neri/ ?

«اگر میتوانی بروی چرا باید بروی؟».

«مانده دارد»

۱- /noumad/ نا پایای /umad/ است که گاهی /nyumad/ گفته می‌شود .

۲- /agar/ گاهی بصورت /ay/ گزارش می‌شود .